



1- سرنوشت سید ضیا پس از کنارگیری از نخست وزیری چه بود؟ و چه کسی به جای وی منصوب شد؟

رضاخان؛ تثبیت قدرت

در این درس به رویدادهای پس از سقوط کابینه سیاه، دوران تثبیت قدرت رضاخان تا نخست وزیری و جمهوری خواهی او می پردازیم.

سقوط کابینه سیاه^۱

1- عمر دولت سیدضیاءالدین طباطبایی کوتاه بود. او پس از گذشت سه ماه، از مسند قدرت کنار گذاشته و با حمایت انگلستان از کشور خارج شد و به فلسطین که در آن زمان تحت قیمومت انگلیس بود، رفت. پس از سیدضیاء، قوام السلطنه^۲ مأمور تشکیل کابینه شد. سفارت انگلستان پیشنهاد کرد تا بعد از سیدضیاء، رضاخان، عامل دیگر کودتا، به نخست وزیری منصوب شود اما این پیشنهاد با مخالفت احمدشاه روبه رو شد و قوام به نخست وزیری رسید.^۳

دولت های ناپایدار

2- رضاخان در مدتی که وزیر جنگ بود چه اقداماتی انجام داد؟

بعد از کودتای ۱۲۹۹ش، جاه طلبی های رضاخان، راه را برای ایجاد حکومت خودکامه و استبدادی هموار کرد. در این زمان دولت های ناپایدار یکی پس از دیگری تشکیل شد اما رضاخان، با وجود تعویض چند نخست وزیر^۴، همچنان بر مصدر قدرت و وزارت جنگ باقی ماند. او در طول این مدت، تسلطش را بر ارتش تثبیت کرد، ژاندارمری را از «وزارت داخله» (وزارت کشور) به «وزارت جنگ» انتقال داد و بر نفوذ خود افزود.^۵

۱. کابینه سیدضیاءالدین طباطبایی به دلیل اعمال خشونت و تندروی به کابینه سیاه معروف شد.

۲. احمد قوام (قوام السلطنه) از وابستگان معروف انگلستان و برادر وثوق الدوله، عاقد قرارداد تنگین ۱۹۱۹م بود.

۳. مکی، همان، ج ۱، ص ۳۷۰.

۴. نخست وزیری سیدضیاءالدین طباطبایی از اسفند ۱۲۹۹ تا خرداد سال ۱۳۰۰ به طول انجامید. او پس از خارج شدن از سرزمین های اشغالی فلسطین رفت و اقدام به خرید زمین های مسلمانان و فروش آنها به صهیونیست های اشغال گر کرد. قوام السلطنه بعد از کودتا تا نخست وزیری رضاخان، دوبار منصب نخست وزیری را به عهده گرفت. بار اول از خرداد تا بهمن ماه ۱۳۰۰ و نوبت دوم از خرداد تا بهمن ماه سال ۱۳۰۱ ادامه یافت. نخست وزیری مشیرالدوله بار اول از بهمن ۱۳۰۰ تا خرداد ماه ۱۳۰۱ و نوبت دوم از خرداد تا آبان ماه ۱۳۰۲ ادامه یافت. نخست وزیری مستوفی الممالک از بهمن ماه ۱۳۰۱ تا خرداد ماه سال ۱۳۰۲ ادامه یافت.

۵. ن. ک: آبراهامیان، همان، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما چرا رضاخان و انگلیسی ها بیشتر به نیروهای نظامی و انتظامی متکی بودند؟

3- اقدام های خودسرانه و خشونت آمیز رضاخان در دوران تصدی وزارت جنگ، منجر به طرح استیضاح او در مجلس، به رهبری آیت الله سید حسن مدرس شد اما رضاخان، با طرح شایعه استعفای خود و صحنه سازی، طرفدارانش را علیه مجلس تحریک کرد و مخالفان را مورد ضرب و شتم و ارباب

قرار داد.

4- عکس العمل رضاخان در برابر استیضاح او در مجلس در دوران تصدی وزارت جنگ چه بود ؟



سید حسن مدرس نماینده ادوار مختلف مجلس شورای ملی

بیشتر بدانید

آیت الله مدرس در جلسه سیزدهم مجلس چهارم (مهر ماه ۱۳۰۱) خطاب به نمایندگان مردم اعلام کرد: «شماها مگر ضعف نفس دارید که این حرف ها را می زنید و در پرده سخن می گوید؟! ما [نمایندگان مجلس] بر هر کس قدرت داریم. از رضاخان [سردار سپه] هیچ ترس و واهمه ای نداریم. ما قدرت داریم پادشاه را عزل کنیم. رئیس الوزراء را بیاوریم، سؤال کنیم، استیضاح کنیم، عزلش کنیم و همچنین، رضاخان را استیضاح کنیم؛ عزل کنیم، می روند در خانه اش می نشینند ... قدرتی که مجلس دارد، هیچ چیز نمی تواند مقابلش بایستد. شما تعیین صلاحیت نکنید. مجلس بر هر چیزی قدرت دارد»^۱.

5- حامیان و مخالفان رضاخان در دوره تصدی وزارت جنگ چه کسانی بودند؟

5- طرفداران و حامیان رضاخان، به شکلی سازمان یافته، راه او را در دستیابی به مقاصد شومی که در سر داشت، هموار می کردند. تیمورتاش، داور، تقی زاده و تدین، از نمایندگان تجدّدطلب مجلس و سلیمان میرزا که از اولین پایه گذاران «جریان کمونیستی» ایران به حساب می آمد، به همراه بعضی از

۱. ن. ک: مکی، همان، ج ۲، ص ۱۷۰.

فراماسونری‌های^۱ شناخته شده، نظیر محمد علی فروغی، به دفاع از رضاخان پرداختند. در چنین شرایطی، آیت‌الله مدرس، سرسختانه در میدان مبارزه با خودکامگی رضاخان ایستادگی می‌کرد. او کوشید با همراهی عده‌ای از نمایندگان مجلس، دولت و دربار را از سلطه استعمار انگلیس و رضاخان نجات دهد و تا پای جان، در این راه پایداری کرد.

6- رضاخان چگونه به نخست‌وزیری رسید؟

نخست وزیر رضاخان

6- رضاخان با تبلیغ‌های گسترده، دسیسه‌چینی و دستاویز قراردادن ناامنی در کشور، خواهان قدرت و اختیارات بیشتری شد. سرانجام نیز، با وجود مخالفت‌ها، نه تنها موفق به تثبیت موقعیتش شد، بلکه احمدشاه و مجلس را ناچار به انتخاب خود به نخست‌وزیری کرد اما این، هدف نهایی او نبود. احمدشاه در سوم آبان ماه ۱۳۰۲ فرمان نخست‌وزیری او را صادر کرد و بلافاصله به اروپا رفت. شاه با این اقدام، عملاً کشور را به دست رضاخان سپرد.⁷ انگلیسی‌ها و عوامل وابسته آنها، از یک سو چنین تبلیغ می‌کردند که وضع کشور بحرانی و آشفته است و به شاه توصیه کردند که برای مدتی کشور را ترک کند و از دیگر سو، خروج احمدشاه را از کشور، نشانه بی‌کفایتی و بی‌علاقگی‌اش به ایران اعلام کردند!

7- انگلیسی‌ها و طرفداران رضاخان پس از خروج احمدشاه چه اقداماتی انجام دادند؟

قدرت طلبی به اسم جمهوری خواهی

اگر چه از ابتدای کودتای ۱۲۹۹، انگلستان نظام حکومتی معینی را برای ایران پیشنهاد نکرده بود اما با انتخاب رضاخان و حمایت از او، آشکار بود که هدف‌های مورد نظرش در ایران، تنها از طریق استقرار یک حکومت مستبد امکان‌پذیر است. لازمه این کار، تغییر نظام حکومتی در ایران بود.

8- هم‌زمان با نخست‌وزیری رضاخان در ایران، مصطفی کمال پاشا (آتاتورک) با حمایت دولت انگلستان، در کشور عثمانی (ترکیه) به قدرت رسید. او نظام امپراتوری عثمانی را لغو و نظام «جمهوری» را تأسیس کرد. این واقعه، بهانه مناسبی برای جایگزینی حکومت رضاخان به جای سلطنت قاجار بود.

۱. سابقه پیدایش فراماسونری به چند قرن پیش بازمی‌گردد. گروه‌های فراماسونری در کشورهای اروپایی در واقع انجمن‌هایی بودند که توسط سیاستمداران و تحصیل‌کردگان تشکیل می‌شد. آنان ابتدا مدعی تلاش برای همه انسان‌ها بودند اما به تدریج شبکه‌های قدرتمندی شدند که برای به دست گرفتن قدرت تلاش می‌کردند. دین‌زدایی یکی از اهداف فراماسون‌ها بود. فراماسون‌ها در کشورهای آسیا و آفریقا به عنوان عوامل استعمار و در جهت پیشبرد منافع دولت‌های استعماری‌ای چون انگلستان عمل می‌کردند. فراماسون‌ها در ایران از مروجان غرب‌زدگی و مدافعان منافع دولت‌های استعماری به شمار می‌روند.

۸۴ 8- هم‌زمان با نخست‌وزیری رضاخان چه تحولاتی در ترکیه به وقوع پیوست و چه تاثیری در ایران داشت؟

9- انتخابات دوره ی پنجم مجلس شورای ملی چگونه برگزار شد و چه نتیجه ای داشت؟

10- چه کسانی از مخالفان رضاخان به مجلس پنجم راه یافتند ؟

9- رضاخان به سرعت و با اعمال نفوذ و تقلب، انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی را برگزار کرد و در پناه حمایت حزب ها و جریان های سیاسی طرفدار خود توانست اکثریتی از نمایندگان موافق و طرفدار خود را روانه مجلس کند. با وجود این، نمایندگانی چون آیت الله مدرس، مستوفی الممالک، دکتر مصدق، مشیرالدوله و مؤتمن الملک نیز که مورد توجه مردم بودند، به مجلس راه یافتند.

11- پس از تشکیل دوره پنجم مجلس تلاش برای برقراری نظام جمهوری در ایران توسط چه گروه هایی آغاز شد؟ پس از تشکیل دوره پنجم مجلس در بهمن ماه ۱۳۰۲ کوشش برای برقراری نظام جمهوری در

11- ایران، با اتحاد حزب «تجدد» به رهبری داور، تیمورتاش و تدین و حزب «سوسیالیست»، به رهبری سلیمان میرزا اسکندری آغاز شد. آیت الله مدرس که از ماهیت جمهوری رضاخانی به خوبی آگاه بود، رهبری مخالفان را در دست گرفت. او به همراه عده ای دیگر از نمایندگان اقلیت مجلس، مخالفت خود را با طرح جمهوری خواهی که یک نامزد (رضاخان) نیز بیشتر نداشت، ابراز کرد.

آیت الله مدرس، در پاسخ به عده ای که به او خُرده می گرفتند که چرا با حکومت جمهوری مخالفت می کند، طی نطقی گفته بود: «این جمهوری که می خواهند بر ما تحمیل کنند، بنا بر اراده ملت نیست. بلکه انگلیسی ها می خواهند آن را به ملت ایران تحمیل نمایند، تا حکومتی را که صد درصد دست نشاندۀ و تحت اراده خود باشد در ایران برقرار سازند... اگر واقعاً نامزد و کاندیدای جمهوری فردی آزادی خواه و ملی بود، حتماً با او موافقت می کردم و از هیچ کمک و مساعدتی دریغ نمی نمودم».^۱

12- چه کسی رهبری مخالفت با جمهوری رضاخانی را در دست گرفت؟

13- سرانجام، مخالفت نمایندگان اقلیت مجلس، علما و مردم با طرح جمهوری رضاخانی، مقاصد او را با شکست روبه رو کرد.

13- نتیجه جمهوری خواهی رضاخان چه بود؟

برکناری سلسله قاجار و تغییر سلطنت

14- رضاخان و هوادارانش پس از شکست طرح جمهوری خواهی، درصدد برآمدند از طریق دیگر سلطنت را از دست خاندان قاجار درآورند. سرانجام پس از زمینه چینی و تبلیغات گسترده، مجلس شورای ملی در روز نهم آبان ماه ۱۳۰۴ ماده واحده ای^۲ مبنی بر خلع سلسله قاجار و واگذاری نیابت موقت سلطنت به رضاخان را تصویب کرد.

۱. مکی، همان، ج ۲، ص ۴۹۵.

۲. ماده واحده این بود: «مجلس شورای ملی، به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نموده، و حکومت موقتی را در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه مملکتی به شخص آقای رضاخان پهلوی واگذار می نماید».

14- چگونگی برکناری سلسله ی قاجار و تغییر سلطنت را توضیح دهید؟

کوشش شخصیت‌هایی چون آیت‌الله مدرّس برای جلوگیری از تغییر سلطنت مؤثر واقع نشد و اکثریت نمایندگان مجلس، به این ماده واحده، رأی مثبت دادند. آیت‌الله مدرّس در حالی که می‌گفت: «اگر صد بار رأی بدهید، [این کار] خلاف قانون اساسی است»، مجلس را ترک کرد. این در حالی بود که بسیاری از یاران قبلی او، توسط رضاخان، تطمیع، یا ترسانده شده بودند.

14- در آذر همان سال مجلس مؤسسان که تمام اعضای آن از طرفداران رضاخان بودند، تشکیل شد و با تغییر چهار اصل از اصول متمّم قانون اساسی، سلطنت دائمی ایران را به رضاخان و «آعقابِ ذکور» او واگذار کرد، و در چهارم اردیبهشت ماه ۱۳۰۵، رضاخان، به عنوان پادشاه ایران، رسماً تاج‌گذاری کرد.

بیشتر بدانید



ملک الشعراى بهار

بهار از جمله شخصیت‌های سیاسی و ادبی اواخر دوره قاجار و نیمه اول سلطنت پهلوی است. وی فرزند میرزا محمد کاظم صبوری ملک الشعرا بود و پس از مرگ پدرش ملک الشعراى آستان قدس رضوی شد. او همچنین در مشهد و تهران مدیر روزنامه نوبهار بود. بهار در دوره‌های سوم، چهارم، ششم، دهم و یازدهم نماینده مجلس شورای ملی بود. در دوران رضاشاه روزنامه او تعطیل و چندین بار زندانی و تبعید شد. وی شاعری آزادی‌خواه بود و علاوه بر دیوان شعر، دارای تألیفاتی است که از جمله آنها می‌توان «تاریخ احزاب سیاسی ایران» را نام برد.



محمد علی فروغی

15- با انتقال سلطنت به سلسله پهلوی، محمدعلی فروغی

(ذکاءالملک^۱) به عنوان اولین نخست‌وزیر دوران سلطنت

رضاشاه منصوب شد. نخستین اقدام او، برپایی آیین¹⁵⁻

تاج‌گذاری و نشستن رضاشاه بر تخت قدرت بود.

شرایط داخلی ایران: چنانکه در درس‌های گذشته

با اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران در دوره قاجار آشنا

شدید¹، حوادث تلخ دوران مشروطه، و انحراف آن نهضت از

مسیر و اهداف اولیه، باعث سرخوردگی مردم و بسیاری از

رهبران سیاسی و مذهبی ایران شده بود.² بروز جنگ جهانی

اول و مداخله‌های گسترده بیگانگان در سرنوشت مردم ایران

که با غارت منابع ملی، فقر اقتصادی، قحطی، گرسنگی و ناامنی‌های اجتماعی همراه بود، بر دامنۀ این

مصیبت‌ها افزود و³ استقلال ایران، با حضور قدرت‌های بیگانه در شمال و جنوب کشور، به شکلی

فزاینده خدشه‌دار شده بود.

4 از سوی دیگر بی‌کفایتی احمدشاه و دولتمردان و سرپیچی حاکمان محلی از فرمان حکومت

مرکزی، موجب شیوع آشوب و از میان رفتن امنیت در جامعه گردیده بود. از این رو، در میان خواسته‌های

مردم، «نیاز به امنیت» یکی از موارد اساسی و کاملاً محسوس به شمار می‌رفت.

5 شرایط اجتماعی، اقتصادی و روانی جامعه در آن سال‌ها به گونه‌ای بود که به تدریج زمینه را

برای حاکمیت مطلق رضاخان مساعد می‌کرد. رضاخان که موفق به سرکوب چند شورش داخلی شده

بود^۲، رفته‌رفته به عنوان عامل برقرارکننده امنیت در کشور شناخته شد. افزایش حمایت انگلستان و

جانبداری جریان‌ها و حزب‌های سیاسی از او نیز این باور را در میان مردم به وجود آورد که جز رضاخان،

هیچ‌کس قادر به برقراری امنیت و آرامش در ایران نیست.

17- از جمله اقداماتی که نفوذ رضاخان را در میان مردم افزایش داد، سرکوب شورش «شیخ خزعل»

۱. برای کسب اطلاع و مطالعه بیشتر ن. ک: فریلوند، زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران، ج ۵، صص ۹۷-۱۰۸؛ فردوست،

همان، ج ۱، صص ۸۴ و ۹۵ و ج ۲، صص ۳۵-۴۵، کتیرایی، فراماسوئری در ایران، ص ۱۲۵؛ تغییرلباس و کشف حجاب به روایت اسناد، ص ۹؛

مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۴، صص ۷-۲۳؛ راثین، همان، ص ۱۲۹.

۲. سرکوب ابوالقاسم لاهوتی در کرمانشاه در سال ۱۳۰۰ و شورش اسماعیل سمینقو در سال ۱۳۰۱ ش. ن. ک: امیر احمدی، خاطرات

نخستین سپهبد ایران، صص ۱۳۰-۱۳۶.

18- چه جریان هایی در دستیابی رضاخان به قدرت و استقرار حکومت خودکامه ی او نقش داشتند؟

بود. شیخ خزعل که وابستگی اش به انگلستان بر کسی پوشیده نبود، منطقه خوزستان را زیر سیطره خود درآورده بود. دولت انگلستان که در معادله های سیاسی جدید خود، خواهان افزایش قدرت رضاخان بود، به منظور جانبداری از او، دست از حمایت شیخ خزعل برداشت. در نتیجه، شیخ خزعل، تسلیم رضاخان شد. این واقعه که به قربانی شدن شیخ خزعل انجامید، در افکار عمومی، تصویری قهرمانانه و حتی ضد انگلیسی، از رضاخان ایجاد کرد.^۱

حزب ها و جریان های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی : جریان دیگری که به همین میزان در دستیابی رضاخان به قدرت سهم داشت، گروهی از رهبران و حزب های سیاسی غرب گرا بودند که با شعار «تجدد» و «ترقی» خواهی، به تدریج در مجلس، قدرت را در دست گرفته بودند² گروهی از نمایندگان توسل به اجبار و زور را برای ایجاد تحول های اجتماعی در ایران لازم می دانستند و در نشریه های وابسته به خود، به نظریه پردازی درباره لزوم استقرار نظام استبدادی در ایران پرداختند و آشکارا ندای «دیکتاتوری مُصلِح» را سردادند.^۲

بیشتر بدانید

«سفارت انگلیس در تهران به کنسولگری هایش در شهرها و شهرستان ها دستور داده بود که واکنش مردم را در برابر این دگرگونی بزرگ گزارش بدهند. بر روی هم، ۱۳ گزارش کوتاه واصل شد: در اصفهان مردم هیچ علاقه ای نشان نمی دهند. در مشهد استقبال چندانی از جشن ها نشد و مردم شهر، تغییر سلطنت را «بُرد انگلیس و باخت روس ها» می دانند. در تبریز توده مردم بی اعتنائی نشان دادند. در شیراز نیز با استقبال سردی روبه رو شد. در کرمان هیچ کس جرئت ابراز عقیده مخالف نداشت و...» مردم، قاجاریه را مقصر می دانستند و در عین حال از تقویت بیشتر قوای نظامی [نیز] نگران بودند...؛ روی هم رفته به نظر می رسد که اهالی شهرها، به طور کلی از سقوط قاجاریه افسوس نخوردند، اما از ظهور سلسله جدید هم خوشحال نشده اند.^۲

۱. ن. ک: شیخ الاسلامی، افزایش نفوذ روس و انگلیس در ایران عصر قاجار، صص ۳۴-۴۰.

۲. مضمون های اصلی و همیشگی این نشریه ها، سخنان مارکس درباره مذهب به عنوان «افیون توده ها»، مطالب ضد دین، تحقیر احکام اسلام و ستایش افراطی دوران باستان (پیش از اسلام) بود. برای نمونه، نخستین سرمقاله نشریه فرنگستان، چاپ آلمان، با این عبارت آغاز شده بود: «ایران خود را از استبداد سلطنتی رهانید اما اکنون به دیکتاتوری انقلابی نیاز دارد... تنها امید ما به فردی چون موسولینی است...» (فرنگستان، ش ۱، فروردین ۱۳۰۳، ص ۴۲).

۳. همایون کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ۱۳۹۳، ص ۳۱۷.

پرسش‌های نمونه

۱. رضاخان در مدتی که وزیر جنگ بود، چه اقداماتی انجام داد؟
۲. همزمان با دوره نخست‌وزیری رضاخان، چه تحوّل‌ی در ترکیه به وقوع پیوست؟ این واقعه چه تأثیری در ایران داشت؟
۳. انتخابات دوره پنجم مجلس شورای ملی چگونه برگزار شد و چه نتیجه‌ای داشت؟
۴. شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مملکت، چه نقشی در فراهم کردن زمینه برای به قدرت رسیدن رضاخان داشت؟

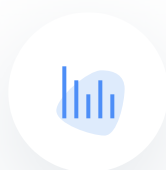
اندیشه و جست و جو

۱. با مراجعه به کتاب *سرار سقوط / احمدشاه*، نقش انگلستان را در برکناری احمدشاه در کلاس بررسی کنید.
۲. سخنرانی یکی از نمایندگان مجلس شورای ملی را که به انتقال حکومت به رضاخان رأی مثبت نداد، در کلاس بخوانید.
۳. چرا مجلس مؤسسان بندهایی از قانون اساسی مشروطه را تغییر داد؟ در این مورد تحقیق کنید.
۴. تحلیل کنید چرا گروه‌هایی از مردم ایران، سلطنت پهلوی را «بُرد انگلیسی‌ها» و «باخت روس‌ها» تلقی می‌کردند؟



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد